

بررسی عوامل موثر بر تقاضای واردات ایران به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی

هاشم سپانلو* دکتر علی قنبری**

پذیرش: ۸۹/۲/۱۵

دریافت: ۸۸/۵/۵

واردات / هم‌جمعی / کالاهای مصرفی / کالاهای واسطه‌ای / کالاهای سرمایه‌ای

چکیده

امروزه بخش تجارت خارجی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی در تمامی کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه، مورد توجه می‌باشد. برآورد تقاضای واردات کالاها همواره یکی از دغدغه‌های اصلی و موضوعات مورد بحث تصمیم‌گیران سیاسی و اقتصادی در تمامی زمینه‌ها، علی‌الخصوص در تصمیمات راهبردی کشوری، منطقه‌ای و جهانی بوده است. همچنین انتخاب استراتژی صحیح برای واردات منوط به در نظر گرفتن عوامل موثر بر آن می‌باشد. لذا در این مقاله به شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر واردات ایران پرداخته شده است که با توجه به مباحث هم‌جمعی^۱ بین متغیرهای اقتصادی، از روش اقتصادسنجی خود توضیح با وقفه‌های توزیع شده (ARDL)^۲، استفاده گردید. در این تحقیق پس از بررسی جامع مبانی نظری تابع واردات و مرور مطالعات گذشته در ایران و جهان، ساختار بازرگانی خارجی ایران طی سال‌های (۱۳۸۶-۱۳۵۰)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بر اساس این مطالعات، نوع و میزان اثرگذاری عواملی چون قیمت‌های نسبی،

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس

** استادیار علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس

Hashsep1361@yahoo.com

Dr_alighanbari@yahoo.com

■ هاشم سپانلو، مسئول مکاتبات.

1. Co-Integration.
2. Auto- regressive Distributed Lag.

درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز، تولید ناخالص داخلی بدون نفت و گاز و ارزش افزوده بخش صنعت و معدن، بر هر یک از توابع واردات، بررسی گردید. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که متغیر با وقفه (واردات دوره قبل) برای هر سه تابع معنی دار بوده و بیشترین تاثیر را بر واردات کالاهای مصرفی داشته است (تایید تئوری انتظارات مصرفی) و کمترین تاثیر را بر کالاهای سرمایه‌ای دارد. کشش قیمتی تقاضای واردات برای کالاهای واسطه‌ای بیشترین و برای کالاهای مصرفی کمترین مقدار را دارا است و در نهایت درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز و همینطور ارزش افزوده بخش صنعت و معدن نیز بیشترین تاثیر را بر واردات کالاهای سرمایه‌ای می‌گذارند. همچنین وجود رابطه همجمعی میان متغیرها تایید شد و روابط بلندمدت و الگوی ECM^۱ برای هر یک از توابع محاسبه گردید.

طبقه‌بندی JEL: C32, C13, F10.

مقدمه

در جهان امروز کشوری نیست که بتواند تمامی نیازهای جامعه خود را بدون تولیدات و خدمات سایر کشورها برآورده سازد. اگر این توان در کشوری هم وجود داشته باشد به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست. در نتیجه مقوله مبادله کالاها و خدمات میان کشورها بر اساس مزیت‌های نسبی و مطلق مطرح می‌گردد. یکی از معیارها در ارزیابی بینه اقتصادی هر کشور، تراز تجاری آن می‌باشد که صادرات و واردات دو رکن اصلی این تراز هستند. همچنین در تجزیه و تحلیل مسائل کلان و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، بررسی تابع تقاضای واردات از اهمیت خاصی در شناخت الگوی اقتصاد کلان و اثر بخشی و کارایی سیاست‌های بازرگانی کشور دارد. از این رو هر تغییر و تحولی که در واردات کشور رخ دهد، در فرآیند تولید، رشد و توسعه تاثیر به سزایی خواهد داشت. لذا اتخاذ سیاست‌های مناسب برای واردات حائز اهمیت است، اما انتخاب استراتژی صحیح برای واردات منوط به در نظر گرفتن عوامل موثر بر آن می‌باشد. به همین جهت یکی از مسائل عمده و قابل طرح در زمینه واردات، بررسی عوامل موثر بر آن است. برای این منظور و با توجه به اجزای اصلی واردات کشور، مناسب است که این بررسی بر اساس واردات کالاها به تفکیک مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای انجام شود، زیرا ساختار واردات برای هر یک از توابع متفاوت بوده و در نتیجه تحلیل تابع تقاضای واردات به صورت کلی از اعتبار و کاربرد چندانی برخوردار نمی‌باشد و بررسی این تابع به تفکیک نوع کالاها می‌تواند ما را در شناسایی دقیق‌تر عوامل موثر و میزان اثرگذاری هر یک از عوامل و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی با کارایی و اثر بخشی بیشتر، برای هر یک از گروه‌های کالایی، یاری رساند. همچنین با توجه به اینکه کشور ایران از موقعیت حساس و استراتژیک در منطقه برخوردار می‌باشد و با توجه به معیارهایی که در روند انقلاب و پس از سال‌های دفاع مقدس به عنوان اصول اساسی و ارزشی کشور مانند استقلال و خود کفایی و عدم وابستگی به کشورهای بیگانه مطرح و پیگیری شده است، شناسایی عوامل موثر بر تقاضای واردات از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. در این تحقیق قصد داریم با تکیه بر مباحث مبنایی و نظری موضوع و با توجه به تحقیقات تجربی و کارهای انجام شده در داخل و خارج

کشور، عوامل موثر بر توابع واردات ایران را شناسایی کنیم و با استفاده از آمارهای بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران و با استفاده از روش اقتصادسنجی خود توضیح با وقفه های توزیع شده (ARDL)، هر یک از توابع را (به تفکیک نوع کالاها) برآورد کرده و مورد آزمون های آماری قرار دهیم. همچنین برای تخمین متغیرهای مدل از آمار سری زمانی مربوط به سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ استفاده شده است.

۱. مبانی نظری

میزان تقاضای هر جامعه برای کالاهای خارجی به عنوان یک متغیر وابسته، به عوامل متعددی که متغیر مستقل (متغیرهای توضیحی) نامیده می شوند، مربوط می گردد. درجه تاثیر هر یک از عوامل بر روی واردات کشورها حسب شرایط مختلف، متفاوت است. به طور کلی می توان گفت که تقاضای هر جامعه ای به قدرت خرید آن جامعه بستگی دارد. بنابراین یکی از عوامل جذب واردات، تولید ناخالص داخلی (GDP) می باشد. در مدل عمومی کینز^۲ درآمد به وسیله جمع مقادیر مصرف، سرمایه گذاری و خالص صادرات و واردات بیان شده و داریم:

$$\begin{cases} y = C + I + G + (X - M) \\ C = a_0 + by, M = M_0 + my, X = x_0, I = I_0 \end{cases}$$

همانطور که مشاهده می شود، واردات تابع دو بخش واردات مستقل از درآمد (M_0) و بخش متاثر از درآمد (my) تشکیل گردیده است که m میل نهایی به واردات و تعیین کننده سهم واردات از درآمد می باشد. (X, I و G برونزا فرض شده اند).

قیمت نسبی کالاهای وارداتی به کالاهای داخلی ($P = PM/PD$)، عامل دیگری است که به عنوان یک متغیر توضیحی در تعیین میزان واردات نقش مهمی ایفا می کند. با ثابت بودن سایر شرایط و بر مبنای تئوری های تقاضا انتظار می رود که اگر کالای وارداتی M یک کالای تابع قانون تقاضا باشد، افزایش P سبب کاهش واردات و کاهش P باعث افزایش

1. Gross Domestic Product.

2. Keynes.

آن گردد. همچنین بر اساس استخراج تابع تقاضای واردات کل از روش حداکثرسازی مطلوبیت با توجه به قید بودجه^۱:

$$\text{Max} : u = u(X_{1a}, X_{1b}, \dots, X_{na}, X_{nb})$$

$$\text{S.t.} : y_a = \sum_{i=1}^n p_{ia} X_{ia} + \sum_{i=1}^n p_{ib} X_{ib}$$

و همینطور به کمک استخراج تابع تقاضای واردات کل از روش حداقل سازی تابع هزینه با توجه به قید محدودیت منابع ارزی برای آن دسته از کشورهای در حال توسعه که همواره با کمبود منابع ارزی و اعمال محدودیت های تجاری مواجه هستند^۲:

$$\text{Min.} \quad C_t = \beta_1 (M_t - M_t^*)^2 + \beta_2 (R_t - R_t^*)^2 + \beta_3 (M_t - M_{t-1})^2 + \beta_4 (M_t - M_t^d)^2$$

$$\text{S.t.} \quad R_t^* = r_0 + r_1 M_t^*$$

$$M_t = M_t(y_t, \frac{P_m}{P_d}) \quad \text{خواهیم داشت} :$$

در اکثر مطالعات بخش خارجی اقتصاد، یک واقعیت مهم در تامین مالی واردات کشورها و بخصوص در مورد کشورهای در حال توسعه وجود دارد و آن امکان دسترسی به عوامل پرداخت خریدهای خارجی یعنی ارز خارجی است که عمده دریافت های ارزی کشورها معمولاً از طریق صادرات کالاها و خدمات حاصل می گردد و چون بیشترین دریافت های ارزی ایران از محل صادرات نفت و گاز تامین می شود، لذا ارزش صادرات نفت و گاز ایران (XOG) به جای متغیر دریافت های خارجی، یک عامل موثر بر میزان واردات کشور در نظر گرفته می شود. اما می دانیم که درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز بخشی از تولید ناخالص داخلی می باشد و حضور هر دو متغیر در یک مدل منجر به پیدایش همخطی میان متغیرها می گردد. به منظور جلوگیری از این مشکل، ارزش تولید ناخالص داخلی بدون نفت و گاز یعنی GDPWO را به جای GDP در تخمین مدل به کار می گیریم. همچنین با بررسی ساختار اقتصاد ایران و نیاز به واردات و وابستگی های ناشی از آن و نیز فرهنگ و عادات مصرفی، استفاده از M_{t-1} (واردات دوره گذشته) در مدل، به نظر معنی دار می باشد.

1. Pourmoghim, Javad (1978).

2. Moran, Christian (1989).

همانطور که گفته شد، برای واردات کشور می‌توان سه گروه کالایی را در نظر گرفت. کالاهای سرمایه‌ای^۱ شامل وسایل با دوام و ماشین آلات مورد نیاز در بخش‌های تولیدی و صنعتی و وسایل نقلیه برای خدمات اقتصادی می‌باشد. واردات کالاهای واسطه‌ای^۲ و مواد اولیه، بزرگ‌ترین بخش واردات کشور را تشکیل می‌دهند. اقلام عمده این قسمت از واردات مربوط به مواد اولیه و لوازم و قطعات ماشین آلات و مواد ساختمانی و مواد مورد نیاز بخش دامپروری و کشاورزی می‌باشد. اقلام مصرفی وارداتی^۳ به عنوان کالای نهایی وارد کشور شده و عمدتاً توسط مصرف‌کنندگان (خانوارها) به مصرف می‌رسند. از جمله مهمترین اقلام وارداتی می‌توان به مواد غذایی، مواد شیمیایی، محصولات فلزی و ... اشاره نمود. M_t واردات کل، MK_t واردات کالاهای سرمایه‌ای، MI_t واردات کالاهای واسطه‌ای، MC_t واردات کالاهای مصرفی). همانطور که می‌دانیم کالاهای واسطه‌ای، کالاهایی هستند که در فرآیند تولید قرار می‌گیرند و تبدیل به کالای نهایی می‌شوند. کالاهای سرمایه‌ای نیز کالاهایی هستند که از آنها به منظور تولید سایر کالاها و خدمات استفاده می‌گردد. لذا هرچه بخش‌های صنعتی و تولیدی کشور رشد و توسعه بیشتری یابد، در جهت تولید کالاها و خدمات بیشتر، نیاز به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بیشتری خواهند داشت. بنابراین می‌توان یکی از عوامل موثر در تقاضای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، شاخص رشد بخش صنعت و معدن کشور را در نظر گرفت. به طور خلاصه می‌توان مدل‌های عمومی زیر را برای توابع مذکور متصور شد:

$$MC_t = f(\text{GDPWO}, P = \text{PM/PD}, \text{XOG}, MC_{t-1})$$

$$MI_t = f(\text{IR}_T, P = \text{PM/PD}, \text{XOG}, MI_{t-1})$$

$$MK_t = f(\text{IR}_T, P = \text{PM/PD}, \text{XOG}, MK_{t-1})$$

که در این روابط، IR_t ، شاخص رشد بخش صنعت و معدن می‌باشد.

شایان ذکر می‌باشد که در مقوله تخمین تابع تقاضای واردات به خصوص تابع تقاضای واردات کل کشور در داخل و خارج ایران مطالعات متعددی انجام گرفته است، در حالیکه

1. Capital Goods.
2. Intermediate Goods.
3. Consumption Goods.

کمتر به بررسی توابع واردات به تفکیک نوع کالاها پرداخته شده و در این مطالعات اندک نیز از روش‌های ابتدایی اقتصادسنجی و بدون توجه به پایایی سری‌زمانی استفاده شده است که از اعتبار این مطالعات می‌کاهد. همچنین در اکثر مطالعات گذشته داخلی، فقط دو عامل قیمت و درآمد به عنوان عوامل موثر در نظر گرفته شده است. اما در این تحقیق پس از مطالعات جامعی که بر ساختار واردات ایران صورت پذیرفت و با توجه به مبانی نظری موضوع، تقاضای واردات به تفکیک نوع کالاها و با توجه به متغیرهای توضیحی مناسب برای هر گروه کالایی به روش نوین و کارای خود توضیح با وقفه‌های توزیع شده (ARDL) برآورد گردید و نقش و میزان تاثیر هر یک از عوامل بر توابع واردات مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفت. همچنین در برآورد توابع تقاضای واردات به تفکیک کالاها از جدیدترین آمار و اطلاعات موجود استفاده شده است که از دیگر جنبه‌های نوآوری تحقیق محسوب می‌شود.

همچنین با توجه به توضیحات بالا و بررسی تاریخچه‌ای ساختار واردات ایران که به طور کامل در قسمت چهارم این تحقیق (بررسی بازرگانی خارجی ایران) به آن پرداخته شده است، می‌توانیم فرضیات زیر را مطرح کنیم:

۱- حساسیت واردات کالاهای مصرفی نسبت به قیمت‌های نسبی بیشتر از دو گروه کالای دیگر بوده و کالاهای سرمایه‌ای نسبت به قیمت‌های نسبی کم‌کشش می‌باشند.

۲- تقاضای واردات در هر یک از گروه‌های کالایی با متغیرهای اصلی اثر گذار بر آنها دارای هم‌جمعی^۱ می‌باشند.

۳- درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز، اثر مستقیم و معناداری بر هر یک از توابع واردات دارد.

۴- کشش تقاضای واردات کالاهای سرمایه‌ای نسبت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز بیشتر از دو گروه کالای دیگر می‌باشد.

۲. ادبیات تحقیق

اغلب تحقیقات و مطالعات انجام شده پیرامون تقاضای واردات، به صورت تک معادله‌ای و گاهی نیز عرضه و تقاضای واردات به صورت همزمان و در قالب سیستم معادلات تخمین زده شده‌اند. همچنین در اکثر مدل‌ها، واردات تنها تابعی از درآمد و قیمت‌های نسبی می‌باشد که به صورت خطی - لگاریتمی برآورد شده‌اند. در این قسمت سعی کرده‌ایم تا جدیدترین و کارآمدترین مطالعات انجام شده را گنجانده و مورد استناد قرار دهیم. در جدول (۱) به طور خلاصه مجموعه‌ای از مطالعات انجام شده در ایران و جهان ارائه شده است^۱:

جدول ۱- مجموعه‌ای از مطالعات انجام شده در ایران و جهان

نام محقق یا محققین	عنوان تحقیق	کشور و سال ارائه تحقیق	متغیرهای توضیحی	مدل و روش تخمین	خلاصه نتایج
هاتاگر و مگی	کشش درآمدی و قیمتی در تجارت جهانی	۲۶ کشور جهان - سال ۱۹۵۹	درآمد ملی و قیمت‌های نسبی	لگاریتمی - حداقل مربعات معمولی (OLS)	در اکثر موارد ضرایب متغیرها کوچکتر از واحد و برای قیمت‌های نسبی بسیار کم کشش
ویلیام همفیل	اثرات دریافتهای ارزی بر واردات کشورهای کمتر توسعه یافته	۸ کشور در حال توسعه - سال ۱۹۷۴	ذخایر ارزی دوره قبل - دریافتهای ارزی - تغییرات در دریافتهای ارزی	خطی توسعه یافته برای بلند مدت	بیشترین تاثیر به ترتیب متغیر دریافتهای ارزی، ذخایر ارزی دوره قبل و تغییرات ارزی.
کریستین موران	واردات در شرایط محدودیت ارزی	۲۱ کشور در حال توسعه - سال ۱۹۸۹	همانند مدل همفیل + درآمد و قیمت‌های نسبی	تلفیق روشهای تخمین مقطعی و سری زمانی - ols	اثر قابل توجه محدودیت منابع ارزی
ژان پیراوبرین	مدلهای تصحیح خطا برای واردات کل در مورد اقتصادهای کوچک و باز	بلژیک و هلند - سال ۱۹۹۲	درآمد واقعی - نسبت شاخص قیمت وارداتی به شاخص قیمت عمده فروشی	مدل هم انباشتگی - الگوی تصحیح خطا ECM یا	تاثیر ویژه کاهش ارزش پول ملی بر تجارت خارجی
کارشناسان صندوق بین‌المللی پول	بررسی وضعیت تجارت خارجی کشور کره	کره جنوبی - سال ۱۹۹۷	تولید ناخالص داخلی - سرمایه‌گذاری ثابت - قیمت‌های نسبی	مدل هم انباشتگی - روش انگل و گرنجر - الگوی تصحیح خطا	سازگاری کشش‌های قیمتی و درآمدی با مبانی نظری - موافق با سایر کشورهای آسیایی تازه صنعتی شده
فوسو و جوزف	واردات کل و اجزای مخارج درآمد ملی	غنا - سال ۲۰۰۳	درآمد ملی - قیمت‌های نسبی - صادرات و سرمایه‌گذاری	لگاریتمی - روش ARDL	قیمت‌های نسبی کم کشش - صادرات و سرمایه‌گذاری، عناصر اصلی تعیین‌کننده
تانگ	بررسی رابطه بلند مدت تابع تقاضای واردات کشور چین	چین - سال ۲۰۰۳	تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی منهای صادرات، گردش وجوه ملی و عناصر هزینه‌ای نهایی	خطی لگاریتمی - روش آزمون کرانه‌ها	وجود رابطه تعادلی بلند مدت - بی کشش بودن قیمت و درآمد - صادرات عامل عمده مؤثر

۱. کلیه ارجاعات، به قسمت منابع و مآخذ مقاله، صورت پذیرفته است.

۳. بررسی بازرگانی خارجی ایران

واردات کل کشور تا سال ۱۳۵۰ کمتر از ۲/۵ میلیارد دلار بود، اما در پی شوک نفتی سال ۱۳۵۳ (جنگ اعراب و اسرائیل) و چهار برابر شدن قیمت نفت، ارزش واردات کل از رقم ۳/۴ میلیارد دلار در سال فوق به رقم ۱۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۴ رسید. از سال ۱۳۵۷ به بعد نیز واردات کشور با چندین شوک شدید روبرو شد. میزان واردات کشور که در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ و در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی کاهش داشته و به رقمی حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال‌های فوق رسید، اما مجدداً در سال ۱۳۶۲ به اوج خود رسید و به رقم ۱۸/۱ میلیارد دلار بالغ گشت. پس از آن واردات سیر نزولی به خود گرفت که دلیل اصلی آن تحریم‌های ناشی از جنگ تحمیلی بود به طوری که از سال ۱۳۶۸ به بعد مجدداً شاهد افزایش شدید واردات بودیم و واردات کل که در سال ۱۳۶۷ به حداقل خود در دوره ۱۳۶۷-۱۳۵۴ یعنی رقم ۸/۲ میلیارد دلار رسیده بود، با ۲۶۲ درصد افزایش به رقم ۲۹/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ بالغ گشت. در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ بالاترین میزان واردات تا آن زمان یعنی ارقام ۲۹/۷ و ۲۹/۸ میلیارد دلار را شاهد بودیم و از سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ نیز واردات کل نوسان داشته و در نهایت از سال ۱۳۷۸ دوباره سیر صعودی به خود می‌گیرد که دلیل عمده آن رونق بازار نفت و افزایش قیمت جهانی نفت است. آزاد سازی فضای تجارت خارجی در سال‌های اخیر موجب تداوم روند افزایشی واردات شده است.

در دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ سهم واردات کالاهای واسطه‌ای از کل واردات با نوساناتی اندک روند صعودی به خود گرفته که علت اصلی آن تهیه مواد اولیه برای کارخانه‌هایی است که در طی برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب با سیاست جایگزینی واردات تاسیس شده بودند اما به یکباره سهم این کالاها از ۶۴ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۵۳ درصد برای سال ۱۳۵۴ تقلیل یافت ولی پس از آن مجدداً سیر صعودی به خود گرفت و در سال ۱۳۶۴ به ۶۵ درصد رسید. بعد از آن با کاهش شدید قیمت نفت و کاهش درآمدهای ارزی سهم واردات کالاهای واسطه‌ای کاهش یافت و به ۵۸ درصد رسید. سهم این کالاها در کل واردات برای سال‌های پس از پایان جنگ تا سال ۷۳ با وجود نوسانات مثبت و منفی تغییر

محسوسی نیافت و در حدود ۶۰ درصد نوسان داشت. اما برای سال‌های بعد مجدداً افزایش یافت و در سال ۱۳۷۴ به رقم ۷۰ درصد رسید که در طول دوره مورد بررسی حداکثر است. این سهم از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ به حدود ۴۲ درصد کاهش یافته و پس از آن نیز تا سال ۱۳۸۰ در همان حدود در نوسان بوده است.

در مورد واردات کالاهای مصرفی چند دوره مهم قابل بررسی است نخستین دوره سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۹ (به استثناء سال ۱۳۵۰) را در بر می‌گیرد که طی آن سهم واردات کالاهای مصرفی در کل واردات، پیوسته در حال افزایش بوده است. در مقاطعی از این دوره افزایش کالاهای مصرفی به بهای کاسته شدن از واردات هردو دسته کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تمام شده است.

دیگر دوره، شامل سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ می‌شود. طی این دوره سهم کالاهای مصرفی به کل واردات کاهش داشته و از رقم ۲۳ درصد در سال ۱۳۶۰ به رقم ۱۳/۸ درصد در سال ۱۳۶۴ کاهش یافت. این کاهش را می‌توان عمدتاً ناشی از منحرف شدن منابع به سمت جنگ تحمیلی دانست.

طی سال‌های ۶۵ تا ۶۸ سهم واردات کالاهای مصرفی به کل واردات در سطح حدود ۱۸ درصد ثابت مانده و برای سال‌های ۶۹ تا ۷۱ این سهم کاهش یافت و به ۱۰ درصد در سال ۱۳۷۱ رسید. و بعد از آن طی دوره ۷۲ تا ۷۴ افزایش اندکی داشت. در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ مجدداً کاهش یافت و به ۱۳ درصد در سال ۷۶ رسید و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ این سهم نوسان اندکی داشته است.

نکته قابل توجه طی این سال‌ها این است که کاهش سهم واردات کالاهای مصرفی به نفع کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای است، اگر چه ارزش مطلق آن افزایش یافته است. سهم کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات بین ۳۴ درصد در سال ۱۳۷۰ تا ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۴ در نوسان بوده است.

نکته دیگر در طول این دوره، روند نزولی سهم کالاهای سرمایه‌ای طی این سال‌های است به طوری که در سال ۷۴ به پائین‌ترین رقم آن یعنی ۱۳/۵ درصد رسیده است. ورود کالاهای سرمایه‌ای که برای سال‌های ۵۳ تا ۵۶ روند صعودی قابل توجهی به خود گرفته

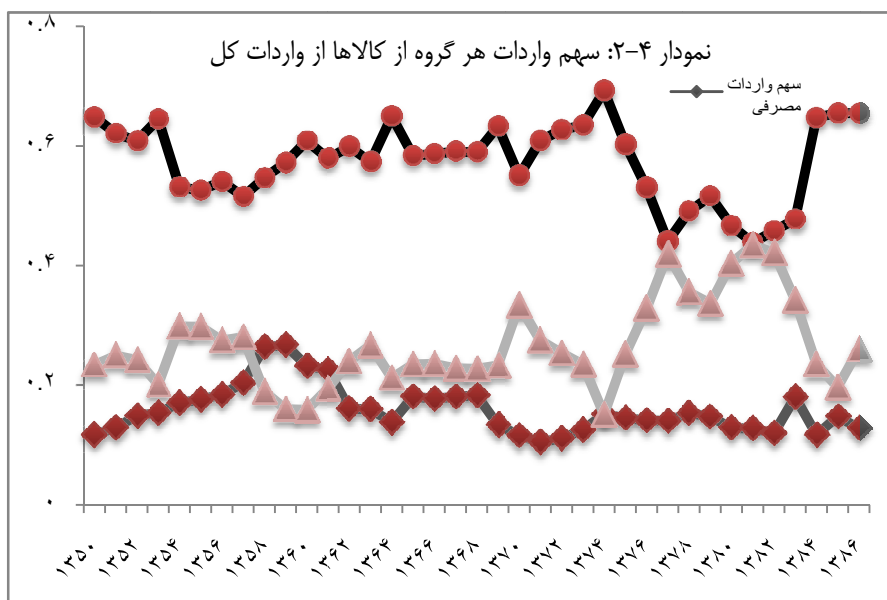
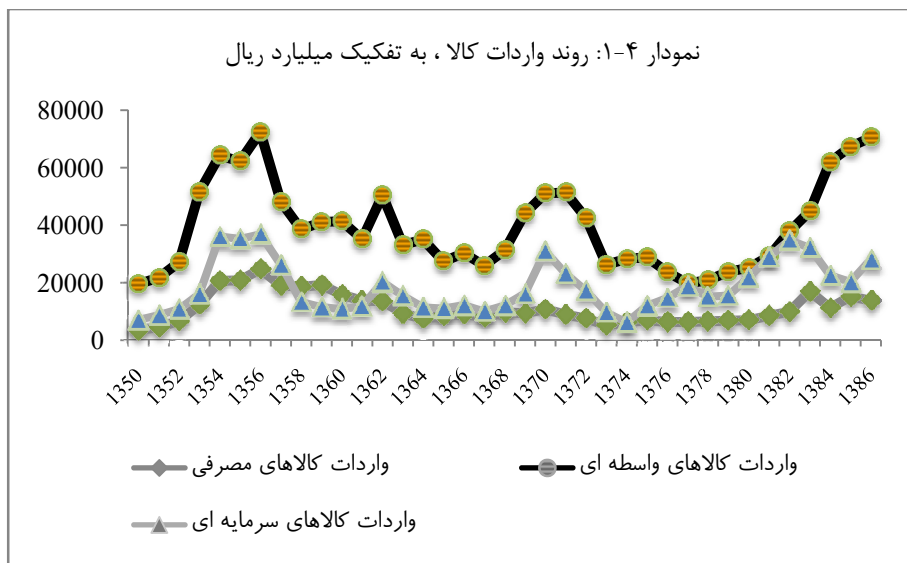
بود، از سال ۵۷ تا ۶۰ کاهش قابل ملاحظه‌ای به نفع کالاهای مصرفی و واسطه‌ای داشته است و بعد از افزایش این سهم در سال‌های ۶۲ و ۶۳ (که درآمدهای نفتی افزایش یافت) دوباره کاهش داشته و از سال ۷۰ تا ۷۴ سهم کالاهای مذکور کاهش یافت و این کاهش با کاهش ارزش مطلق آن نیز همراه بوده است.

اما همانطور که از نمودار (۲) پیدا است سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای از ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۴ با یک افزایش شدید به بیش از ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده و تقریباً به همان اندازه از سهم واردات کالاهای واسطه‌ای کاسته شده است. از سال ۱۳۷۷ به بعد نیز نوسانی تقریباً ۱۰ درصدی در سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای مشاهده می‌شود.

در یک بررسی کلی مشخص است که به استثنای سال‌های ۵۸ تا ۶۱ که مصادف با شروع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است؛ در طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ میزان مطلق واردات کالاهای سرمایه‌ای همواره بیش از میزان واردات کالاهای مصرفی بوده است و فقط در سال ۱۳۷۴ میزان تقریباً برابر بوده‌اند. علاوه بر این در تمام دوران مورد بررسی سهم و میزان واردات کالاهای واسطه‌ای بیش از واردات مصرفی و سرمایه‌ای بوده است. طی چند سال اخیر سهم کالاهای واسطه‌ای در واردات رو به افزایش بوده است. در مورد کالاهای سرمایه‌ای روند کاهشی در سهم از واردات کل را شاهدیم و بالاخره در مورد کالاهای مصرفی می‌توان گفت سهم آنها از واردات کل دچار نوسان بوده است. جدول (۲) نشان دهنده سهم هر یک از اجزای واردات در دوره مورد بررسی می‌باشد.

جدول ۲- سهم اجزای واردات در دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰

اقلام	۱۳۵۱-۱۳۶۲	۱۳۶۳-۱۳۷۴	۱۳۷۵-۱۳۸۵
واردات کالاهای سرمایه‌ای	۲۳/۲۴	۲۴/۰۶	۳۱/۷۴
واردات کالاهای واسطه‌ای	۶۵/۰۴	۶۱	۵۲/۰۳
واردات کالاهای مصرفی	۱۹/۳۱	۱۴/۶۹	۱۴/۰۸



۴. برآورد مدل‌ها

۴-۱. تصریح مدل‌ها و تشریح متغیرها

همانطور که گفته شد پس از بررسی مطالعات متعدد در زمینه تخمین تابع تقاضای واردات در ایران و سایر کشورها و با استناد به مباحث نظری تقاضای واردات، و

همچنین بررسی روند واردات کالاها در اقتصاد ایران، سه مدل منطبق با واقعیات اقتصاد ایران، برای کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای در نظر گرفته شد و توسط روش ARDL و نرم‌افزار Microfit مورد تخمین واقع گردید که مجدداً به این مدل‌ها اشاره می‌کنیم:

$$MC_t = f(GDPWO_t, P_t = P_m/P_d, XOG_t, D_1)$$

$$MI_t = f(IR_t, P_t = P_m/P_d, XOG_t, D_1, D_2, D_3)$$

$$MK_t = f(IR_t, P_t = P_m/P_d, XOG_t, D_1, D_2, D_3)$$

که در مدل‌های فوق:

MC_t = تقاضای واردات برای کالاهای مصرفی، MI_t = تقاضای واردات برای کالاهای واسطه‌ای، MK_t = تقاضای واردات برای کالاهای سرمایه‌ای، $GDPWO_t$ = تولید ناخالص داخلی بدون نفت و گاز، $P_t = P_m/P_d$ = قیمت‌های نسبی که برابر است با شاخص قیمت کالاهای وارداتی (P_m) تقسیم بر شاخص قیمت داخلی (P_d)، XOG_t = درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز، IR_t = ارزش افزوده بخش صنعت و معدن.

$D1$ = همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۹ به دلیل شوک نفتی حاصل از جنگ اعراب و اسرائیل، وقوع انقلاب اسلامی و به تبع آن بالا رفتن قیمت نفت، نوسانات قابل ملاحظه‌ای در میزان واردات در هر سه گروه کالایی به وجود آمده است که سبب شد تا در این دوره زمانی از یک متغیر مجازی استفاده نماییم.

$D2$ = همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ با شروع جنگ تحمیلی هشت ساله و نوسان قیمت جهانی نفت و اتخاذ سیاست‌های دولت وقت برای شرایط دشوار پیش آمده برای کشور شاهد نوسان واردات در گروه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌باشیم. فلذا برای این دوره دومین متغیر مجازی مدل انتخاب می‌گردد.

$D3$ = طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴، با اتمام جنگ تحمیلی و شروع بازسازی کشور و سیاست‌های تعدیل اقتصادی در آن دوران شاهد افزایش چشمگیر واردات در کشور و پس

از آن به دلیل مشکلات حاصل از این سیاست‌ها برای اقتصاد کشور و اتخاذ سیاست‌های انقباضی در تجارت خارجی شاهد افت واردات کشور در هر سه گروه کالایی و بیشتر کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای هستیم. به همین دلیل سومین متغیر مجازی برای مدل برای این سال‌ها اتخاذ می‌گردد.

علت عدم استفاده از عرض از مبدأ، برازش بهتر مدل در حالت نبود عرض از مبدأ و همچنین استناد تجربی به مطالعات گذشته در زمینه تخمین تابع تقاضای واردات که در بسیاری از آن‌ها نیز به دلیل برازش بهتر از عرض از مبدأ استفاده نشده است.

۲-۴. بررسی پایایی متغیرها^۱

به منظور سنجش پایایی متغیرها و اطمینان از اینکه متغیرها پایا^۲ از درجه دو نباشند، و همگی از درجه پایایی صفر و یک باشند، آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته^۳ (ADF) استفاده گردید که به غیر از واردات کالاهای سرمایه‌ای هیچ یک از متغیرها در مرتبه صفر پایا نبوده و تنها متغیر LMK از درجه صفر $I(0)$ پایا می‌باشد. لذا با یک بار تفاضل‌گیری بر اساس معیار شوارز-بیزین (SBC)، در هر دو حالت نبود روند خطی و وجود روند خطی، تمامی متغیرهای مورد بحث پایا شدند. همانطور که می‌دانیم در سایر تکنیک‌های هم‌انباشتگی نیازمند آن هستیم که همه رگرسورها دارای درجه یکسان انباشتگی باشند، اما ARDL می‌تواند حتی با وجود رگرسورهای از درجه یک $I(1)$ و صفر $I(0)$ نیز بکار رود. در واقع ARDL توان استفاده از نتایج ترکیبی را نیز دارد. (اینکه رگرسورها ریشه واحد باشند و یا مانا). در جدول (۳) نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته، پس از یک بار تفاضل‌گیری قابل مشاهده می‌باشد.

1. Stationary.

۲. لازم به ذکر است که اصطلاحات پایایی، مانایی و ایستایی معادل یکدیگرند.

3. Augmented Dickey Fuller Test.

جدول ۳- نتایج آزمون پایایی دیکی - فولر تعمیم یافته در سطح متغیرها برای تابع تقاضای واردات پس از یک مرتبه تفاضل گیری

متغیر	حالت وجود عرض از مبدا و نبود روند خطی			حالت وجود عرض از مبدا و روند خطی در داده‌ها		
	آماره ADF بر اساس معیار SBC	مقدار بحرانی ADF در سطح ۹۵ درصد	وضعیت پایایی	آماره ADF بر اساس معیار SBC	مقدار بحرانی ADF در سطح ۹۵ درصد	وضعیت پایایی
dLMC	-۴/۵۲	-۲/۹۵	پایا	-۴/۷۵	-۳/۵۵	پایا
dLMI	-۳/۶۷	-۲/۹۵	پایا	-۴/۰۴	-۳/۵۵	پایا
dLP	-۳/۰۵	-۲/۹۵	پایا	-۳/۶۳	-۳/۵۵	پایا
dLXOG	-۴/۷۳	-۲/۹۵	پایا	-۴/۰۹	-۳/۵۵	پایا
dLIR	-۳/۶۲	-۲/۹۵	پایا	-۳/۶۸	-۳/۵۵	پایا
dLGDPWO	-۴/۸۰	-۲/۹۵	پایا	-۴/۷۶	-۳/۵۵	پایا

۴-۳. نتایج تخمین مدل‌ها

پس از بررسی پایایی متغیرها به تخمین هر یک از توابع پرداختیم که ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرها برای هر یک از توابع در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴- خلاصه نتایج تخمین توابع واردات

عنوان تابع	متغیر	ضرایب کوتاه مدت	سطح احتمال	ضرایب بلند مدت	سطح احتمال
تابع تقاضای کالاهای مصرفی	LMC(-1)	۰/۵۹	۰/۰۰۰		
	LP	-۰/۴۳	۰/۰۸۵	-۱/۰۵	۰/۰۳۲
	LXOG	۰/۱۷	۰/۰۱۶	۰/۴۲	۰/۰۳۵
	LGDPWO	۰/۱۵	۰/۰۸۹	۰/۳۶	۰/۰۰۰
تابع تقاضای کالاهای واسطه‌ای	LMI(-1)	۰/۴۸	۰/۰۰۱		
	LP	-۰/۶۳	۰/۰۱۷	-۱/۲۲	۰/۰۰۵
	LXOG	۰/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۵۸	۰/۰۰۰
	LIR	۰/۱۸	۰/۰۵۰	۰/۳۶	۰/۰۰۷
تابع تقاضای کالاهای سرمایه‌ای	LMK(-1)	۰/۳۰	۰/۱۰۱		
	LP	-۰/۴۵	۰/۱۰۰	-۰/۶۴	۰/۰۸۳
	LXOG	۰/۳۲	۰/۰۰۳	۰/۴۶	۰/۰۰۲
	LIR	۰/۳۰	۰/۰۳۷	۰/۴۳	۰/۰۰۳

شایان ذکر می‌باشد که قبل از برآورد ضرایب بلندمدت توابع لازم است آزمون وجود رابطه تعادلی بلندمدت (همجمعی) بررسی گردد. کمیت آماره t مورد نیاز برای انجام

آزمون فوق به صورت معادله (۱) محاسبه می‌شود:

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\alpha}_i - 1}{\sum_{i=1}^p S_{\hat{\alpha}_i}}$$

که α_i ضرایب متغیر وابسته با وقفه و $S_{\hat{\alpha}}$ انحراف معیار ضرایب وابسته با وقفه می‌باشد. برای تابع تقاضای واردات مصرفی آماره t بصورت معادله (۲) می‌باشد.

$$t = \frac{0.58403 - 1}{0.10852} = -3/83$$

مقدار آماره برای تابع تقاضای کالاهای مصرفی: $-3/83$ (معنی‌دار در سطح ۹۰٪)

$$t = \frac{0.48450 - 1}{0.13212} = -3/9$$

مقدار آماره برای تابع تقاضای کالاهای واسطه‌ای: $-3/9$ (معنی‌دار در سطح ۹۰٪)

$$t = \frac{0.30046 - 1}{0.17750} = -3/95$$

مقدار آماره برای تابع تقاضای کالاهای سرمایه‌ای: $-3/95$ (معنی‌دار در سطح ۹۰٪)

از آنجا که لیست بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر^۱ در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با $-4/05$ و در سطح ۹۰ درصد برابر با $-3/64$ می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگورد شده و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که بین متغیرهای ارائه شده برای توضیح رفتار تقاضای واردات در هر سه مدل، یک رابطه تعادلی بلندمدت وجود دارد.

۵-۳. الگوی تصحیح خطا (ECM)^۲

وجود همگرایی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی مبنای آماری استفاده از الگوهای

1. Banerjee, Dolado and Master.

2. Error Correction Model.

تصحیح خطا را فراهم می‌آورد. این الگوها در کارهای تجربی از شهرت فزاینده‌ای برخوردار شده‌اند. عمده‌ترین دلیل شهرت الگوهای ECM آن است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط می‌دهند. در جدول (۵) نتایج مربوط به الگوی تصحیح خطا برای هر سه تابع بصورت خلاصه ارائه شده است:

جدول ۵- خلاصه نتایج الگوی ECM برای توابع واردات

عنوان تابع	Ecm(-1)	R2
تابع تقاضای واردات کالاهای مصرفی	-۰/۴۱	۰/۴۶
تابع تقاضای واردات کالاهای واسطه‌ای	-۰/۵۱	۰/۳۸
تابع تقاضای واردات کالاهای سرمایه‌ای	-۰/۶۹	۰/۴۲

ضریب جمله تصحیح خطا در هر سه تابع معنی‌دار بوده و همانطور که مشاهده می‌گردد علامت آنها مطابق انتظار منفی است. این ضریب نشان می‌دهد که چند درصد از انحرافات از مقدار تعادلی درازمدت، پس از گذشت یک دوره زمانی تعدیل می‌شود و یا به عبارت دیگر این ضریب، سرعت تعدیل از یک دوره به دوره بعد را نشان می‌دهد که در هر سه مدل حاکی از سرعت بالای تعدیل می‌باشد.

جمع‌بندی و تحلیل نتایج

همانطور که مشاهده می‌گردد نتایج به دست آمده کاملاً رضایت بخش می‌باشد و علایم متغیرها دقیقاً بر اساس انتظارات تئوریک بوده و ضرایب تمامی متغیرها از درجه بالای حداقل ۹۰ درصد معنی‌داری در هر سه تابع تخمین زده شده، برخوردار می‌باشند. ضریب تعیین مربوط به تخمین توابع واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای و سرمایه‌ای به ترتیب برابر ۸۳ درصد، ۷۵ درصد، ۶۷ درصد می‌باشند که نشانگر قدرت توضیح‌دهندگی مناسب الگوها می‌باشند. شایان ذکر می‌باشد که پس از تخمین اولیه و به دست آمدن نتایج کوتاه‌مدت، وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای مدل بررسی گردید و برای این منظور از مقادیر بحرانی که توسط بنرجی، دولادو و مستری در سطح اطمینان ۹۰ درصد ارائه شده

است، استفاده گردید که نتایج به دست آمده وجود رابطه بلندمدت را تایید می‌کند. همچنین به کمک آزمون همبستگی جملات سریالی (ضریب LM)، عدم وجود خود همبستگی میان جملات پسماند در هر سه تابع تایید گردید. آزمون رمزی نیز، تصریح صحیح معادلات را تصدیق نمود و آزمون جرگ-براه، فرض صفر مبنی بر توزیع نرمال جملات پسماند در این مطالعه را تایید کرد. از دیگر آزمون‌های استفاده شده در این تحقیق می‌توان به آزمون واریانس ناهمسانی ARCH و LM و همچنین آزمون ثبات ساختاری (آماره CUSUM SQ و CUSUM) اشاره نمود که نتایج به دست آمده رضایت بخش می‌باشد.

در اکثر مقالات پژوهشی منتشر شده در نشریات علمی-پژوهشی ایران و جهان از فرم لگاریتمی دو طرفه برای تخمین تابع تقاضای واردات استفاده شده است. با این حال به این یافته‌ها اکتفا نشد و با استفاده از آزمون غیرآشیاانه^۱ در نرم‌افزار Microfit4.1 فرم لگاریتمی در برابر فرم غیرلگاریتمی مدل مورد بحث، برای تخمین تابع تقاضای واردات مورد آزمون قرار گرفت و نتایج از برتری فرم لگاریتمی در برابر فرم غیرلگاریتمی حکایت داشت. به همین دلیل با استناد به مباحث فوق از فرم لگاریتمی برای تخمین توابع سه گانه تقاضای واردات ایران استفاده گردیده است. در جدول (۶) به‌طور خلاصه نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی پس از تخمین جهت بررسی خوبی برازش ارائه شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون‌های پس از تخمین

نتیجه	روش آزمون	نام آزمون
تائید فرض واریانس همسانی	ARCH LM	آزمون واریانس ناهمسانی
تائید نرمالیتی پسماندها	Jarque-Bera	آزمون نرمالیتی
تائید فرض عدم خود همبستگی	h-دوربین LM	آزمون خود همبستگی
تائید فرم تبعی مدل	Ramsey Rest	تصریح غلط مدل
برتری مدل لگاریتمی بر خطی	non-nasted	آزمون غیرآشیاانه‌ای
تائید ثبات ساختاری ضرایب با پویایی‌های کوتاه‌مدت	CUSUM CUSUM SQ	آزمون ثبات ساختاری

1. Non-nested Test.

در زیر خلاصه‌ای از مهمترین نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها ارائه می‌گردد:

۱- واردات دوره قبل بیشترین تاثیر را بر واردات کالاهای مصرفی (منطبق بر تئوری انتظارات مصرفی) و کمترین تاثیر را بر کالاهای سرمایه‌ای می‌گذارد. به طور کلی نیاز به واردات و وابستگی‌های ناشی از آن و نیز فرهنگ و عادات مصرفی سبب وابستگی واردات به دوره قبل می‌باشد که بر اساس نتایج تخمین و انتظارات تئوریک این وابستگی برای کالاهای مصرفی بیشتر می‌باشد.

۲- کشش قیمتی تقاضای واردات کالاهای واسطه‌ای بیشترین و کشش قیمتی تقاضای کالاهای مصرفی کمترین مقدار را دارا می‌باشند. همانگونه که مشاهده شد به رغم کشش قیمتی کوچک تقاضا در کوتاه‌مدت (کشش قیمتی کمتر از یک)، تابع تقاضای واردات برای کالاهای مصرفی و واسطه‌ای در درازمدت با کشش و برای کالاهای سرمایه‌ای کمی کشش پذیرتر از کوتاه‌مدت می‌باشد. بنابراین افزایش قیمت نسبی در درازمدت موجب کاهش به نسبت درخور توجه تقاضای برای واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای می‌شود اما تاثیر کمتری بر واردات کالاهای سرمایه‌ای دارد.

۳- درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز و ارزش افزوده بخش صنعت و معدن نیز بیشترین تاثیر را بر واردات کالاهای سرمایه‌ای نسبت به دو کالای دیگر می‌گذارد. همچنین ضریب مثبت GDPWO (برای واردات کالاهای مصرفی) نشانگر آن است که با افزایش تولید ناخالص داخلی، سطح واردات افزایش می‌یابد و لذا تولیدات داخلی جایگزین مناسبی برای کالاهای وارداتی نمی‌باشند. این مطلب را کشش قیمتی تقاضای واردات کالاهای مصرفی نیز تایید می‌کند. زیرا این ضریب نسبت به دو تابع دیگر، کوچکتر بوده و نشانگر آن است که با افزایش قیمت‌ها، سطح واردات کالاهای مصرفی نسبت به دو تابع دیگر، کمتر کاهش می‌یابد.

۴- بر اساس الگوهای تصحیح خطا و با توجه به ضرایب تصحیح خطا، تعدیل به سمت تعادل در تابع واردات کالاهای سرمایه‌ای با سرعت بیشتر و در تابع واردات کالاهای مصرفی با سرعت کمتری همراه است.

۵- همانطور که در این تحقیق مشاهده شد، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز

در تعیین میزان واردات کالاها حتی بیشتر از تولید ناخالص داخلی بدون نفت و ارزش افزوده بخش صنعت و معدن تاثیر گذار است که بیانگر وابستگی شدید و تک بعدی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز می باشد. بر اساس جمیع نتایج مطرح شده، فرضیه اول تحقیق رد و سایر فرضیات، مورد تایید واقع می شوند.

توصیه های سیاستی

- ۱- مسئولان و سیاستگذاران کشور باید در دوران رونق درآمدها (مانند شوک های نفتی مثبت) تدابیری بیاندیشند تا اقتصاد کشور به سمت واردات کالاهای مصرفی سوق پیدا نکند و این رشد درآمدی بیشتر به سمت واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای مورد نیاز تولید و صنعت داخل، معطوف گردد که این امر باعث رشد و شکوفایی تولیدات داخلی شده و اشتغال و کاهش وابستگی به واردات را به دنبال خواهد داشت. معمولاً با کاهش و افت ناگهانی درآمدها (مانند شوک های منفی)، میزان واردات کالاهای مصرفی کاهش چندانی پیدا نمی کنند، اما به دلیل کمبود ارز، واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای قربانی می شوند که این امر منجر به کاهش تولید داخلی و افزایش بیکاری می گردد.
- ۲- افزایش کیفیت کالاها و خدمات داخلی و متناسب نمودن آن با کیفیت جهانی و جلب رضایت مشتریان به همراه فرهنگ سازی و جهت دهی الگوی مصرف به سمت کالاهای داخلی، می تواند تاثیر به سزایی در کاهش واردات به خصوص کالاهای مصرفی داشته باشد.
- ۳- مسئولان و تصمیم گیران کلان اقتصادی کشور می توانند با اتخاذ ترکیبی از سیاست های پولی و مالی، و همچنین با استفاده از اهرم های قانونی، شاخص Pd (شاخص قیمت کالاهای داخلی) را تحت کنترل داشته تا این شاخص روند فزاینده در طول زمان به خود نگیرد و واردات توجیه پیدا نکند. به عبارت دیگر برای کاهش واردات کالاهای مصرفی می توان با افزایش قیمت های نسبی از طریق افزایش قیمت واردات و یا کاهش قیمت های داخلی اقدام نمود. قیمت واردات نیز تابع دو عامل نرخ ارز و تورم کشورهای

طرف معامله می‌باشد. تورم کشورهای طرف معامله متغیری برون‌زا می‌باشد. ولی می‌توان از طریق افزایش نرخ ارز به منظور گرانت کردن قیمت کالاهای وارداتی در جهت کاهش واردات اقدام نمود. اما باید توجه داشت که افزایش نرخ ارز خود منجر به افزایش قیمت‌های داخلی می‌گردد و اثر افزایش قیمت وارداتی را خنثی می‌کند. همچنین افزایش قیمت واردات و یا محدود کردن واردات به کمک تعرفه‌های گمرکی و اهرم‌های قانونی می‌تواند منجر به قاچاق و واردات غیررسمی به کشور گردد که این امر آثار مخرب بسیار زیادی در پی خواهد داشت. لذا بهترین سیاست در مورد قیمت‌های نسبی، تلاش در جهت اعمال سیاست‌های ضد تورمی و کاهش قیمت داخلی (از طریق بهبود کارایی و بهره‌وری و ...) می‌باشد.

۴- در مقطعی از زمان، سیاستگذاران و مسئولان کشور، می‌توانند بر اساس نیاز و در جهت مقابله با افزایش قیمت کالاها در داخل و یا بحران‌هایی مانند خشکسالی، جنگ و یا کمبود مقطعی برخی از کالاها مانند شب عید و ... اقدام به واردات کالاهای مصرفی نمایند. اما باید این نکته مد نظر قرار گیرد که واردات کالاهای مصرفی به قیمت لطمه زدن به تولیدات و تولیدکنندگان داخلی و وابستگی کشور به بیگانه تمام نشود. همچنین واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی، افزایش مصرف افراد در جامعه و عادت کردن به الگوی مصرفی بالا را ترویج می‌کند و در هنگام کاهش درآمدها مثلاً افت درآمدهای نفتی، مردم در مقابل کاهش مصرف مقاومت می‌کنند و اگر قادر به استفاده از سطح مصرف قبلی نباشند، آثار روانی نامناسبی در جامعه بوجود می‌آید. شایان ذکر می‌باشد که واردات ابزار در جهت افزایش توان رقابتی داخل کشور، ایجاد آرامش در بازار عرضه و تقاضای کالا و افزایش رفاه مردم می‌باشد، اما واردات بی‌رویه کالاها، به خصوص کالاهای مصرفی باعث می‌گردد که تولیدکنندگان داخلی توان رقابتی خود را از دست بدهند که خود منجر به بیکاری و ضعف اقتصاد کشور می‌گردد.

۵- همانطور که در این تحقیق مشاهده شد، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز در تعیین میزان واردات کالاها حتی بیشتر از تولید ناخالص داخلی بدون نفت و ارزش افزوده بخش صنعت و معدن تاثیر گذار است. لذا باید با توجه به راهبردهای برون‌نگر

توسعه صادرات (و در نظر گرفتن مزیت‌های نسبی در تولید کالاها)، در جهت تنوع‌سازی به همراه کیفیت قابل قبول برای کالاهای مختلف به منظور صادرات، گام‌های موثری برداریم تا از وابستگی شدید و تک بعدی به درآمدهای صادراتی نفت و گاز رهایی پیدا کرده و با نوسانات قیمتی این متغیر در سطح جهانی، اقتصاد کشور دچار تلاطم و بحران نگردد.

۶- روند و ترکیب واردات ایران نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی، عمده واردات ایران مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌باشد. اما به دلیل کمبود نیروی انسانی کارآمد و متخصص به منظور بومی نمودن تکنولوژی، همچنان وابستگی تولید داخل به واردات ادامه دارد. در این راستا تربیت نیروی انسانی متخصص جهت استفاده و بومی کردن تکنولوژی و کنترل و بهبود کیفیت تولیدات داخلی از راه حل‌های کلیدی و موثر در راستای توسعه راهبردهای درون‌گر جایگزینی واردات می‌باشد.

۷- پیاده سازی صحیح و مناسب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش‌های خصوصی و تعاونی به منظور ایجاد رقابت و کارایی هرچه بیشتر در این بخش‌ها، می‌تواند از راهکارهای موثر در جهت بهبود کیفیت کالاها و خدمات داخلی و کاهش وابستگی به واردات باشد.

منابع

- ابریشمی، حمید (۱۳۸۰)؛ "تقاضای واردات در ایران با رویکرد نوین"، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۰.
- ابریشمی، حمید (۱۳۸۱)؛ اقتصاد سنجی کاربردی، رویکرد نوین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اخوی، احمد (۱۳۷۲)؛ تجارت بین‌الملل و استراتژیهای بازرگانی و توسعه اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، سالهای مختلف.
- برزگری، زهرا (۱۳۷۲)؛ برآورد تابع تقاضای واردات کل ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- بیدرام، رسول (۱۳۸۱)؛ EViews همگام با اقتصادسنجی، تهران: انتشارات منشور بهره‌وری.
- تشکینی، احمد و علیرضا باستانی (۱۳۸۵)؛ "تخمین تابع تقاضای واردات برای اقتصاد ایران"، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰.
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴)؛ اقتصاد سنجی به کمک Microfit، تهران: نشر دیباگران تهران.
- توفیقی، حمید و آزاده محرابیان (۱۳۸۱)؛ "بررسی عوامل موثر بر تقاضای واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳.
- سالواتوره، دومینیک (۱۳۷۲)؛ تئوری و مسائل اقتصاد بین‌الملل، ترجمه گلریز و ایران پرور، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- شکوه السادات، سیدعلی اکبر (۱۳۷۰)؛ برآوردی از تابع تقاضای واردات ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی.
- صابری، بهروز (۱۳۵۴)؛ یک مدل اقتصاد سنجی برای واردات ایران، پایان‌نامه

- کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۱)؛ اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران: نشر نی.
- قره باغیان، مرتضی و مرتضی اسدی (۱۳۷۵)؛ تجارت و توسعه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، موسسه تحقیقات اقتصادی.
- کلباسی، حسن (۱۳۸۰)؛ تجارت بین‌المللی تئوری و سیاستها، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان .
- کیانی، هژبر و داریوش حسونند (۱۳۷۶)؛ "بررسی رابطه بلند مدت (تعادلی) بین متغیرهای تابع تقاضای واردات با استفاده از روش همگرایی"، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴.
- گجراتی، دامودار (۱۳۸۴)؛ مبانی اقتصاد سنجی، ترجمه: حمید ابریشمی، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه بازرگانی خارجی، سالهای مختلف.
- مایس (۱۳۷۰)؛ اقتصاد سنجی کاربردی، ترجمه عباس عرب مازار، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی .
- محمودرباطی، مهدی (۱۳۸۶)؛ تخمین تابع تقاضای نفت منطقه خلیج فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- منصف، عبدالعلی (۱۳۶۷)؛ اثرات کاهش ارزش پول با استفاده از محاسبه کشش درآمدی و قیمتی تقاضای واردات و صادرات، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی.
- نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)؛ ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی، چاپ دوم، تهران: انتشارات رسا.
- همتی مقدم، مهدی (۱۳۸۶)؛ بررسی عوامل موثر بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران، پایاننامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه صنعتی اصفهان.
- Pourmoghim, Javad (1978); "Import Demand of Developing Countries Including Iran: A Theoretical and Empirical Study" Iowa State University .

- Moran, Christian (1989); "Imports under a Foreign Exchange Constraint", *The World Bank Economic Review*, Vol3, pp.279-295.
- Houthakker and Magee (1959); "Income and Price Elasticities in World Trade", *Review of Economics and Statistics*, Vol 51, pp. 11- 25.
- khan, Mohsin (1974); "Import and Export Demand in Developing Countries", IMF, Staff Paper , vol xxi no3 (November 1974).
- Hemphil, William (1974); "The effect of foreign exchange receipts on import of less developed countries", IMF Staff Papers Vol 11, No3 .
- Urbain, Jean-Pierre (1992) "International Trade Modelling", Edited by: M.G Dagenais & P.A Mvet .
- Lorenzo Giorgianni, Gian Maria Milesi (1997); "Determinants of Korean Trade Flows and Their Geographical Destination", *IMF Working Paper*.
- Fuso & Joseph (2003); "Aggregate Import Demand and Expenditure Component in Ghana", School of Business , Kwame Nkrumah University of Science and Technology, Ghana.
- Tuck Cheong TANG (2003); "An Empirical Analysis of China's Aggregate Import Demand Function", School of Business, Monash University Malaysia.
- Smith, A. (1937); "The wealth of Nations", (New York : the Modern Library), p.424
- Pesaran, Hashem; Shin, Young Cheol (1995); "An Autoregressive Distributed Lag Modelling Approach to Cointegration Analysis", University of Cambridge.
- Dutta, Dilip & Nasiruddin Ahmed (2004); "An Aggregate Import Demand Function for India: A Cointegration Analysis", *applied economics letters*, 11(10), pp.607-613.